



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد در رشته ی حقوق - جزا و جرم شناسی

مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی

به وسیله ی

سید سعید راست خدیو

استاد راهنما

دکتر محمد هادی صادقی

اسفند ماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

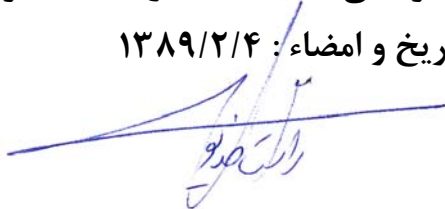
به نام خدا

اظهارنامه

اینجانب سید سعید راست خدیو دانشجوی رشته‌ی حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز اظهار می‌دارم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دست‌آوردهای آن را منتشر ننموده و در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه‌ی مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی : سید سعید راست خدیو

تاریخ و امضاء : ۱۳۸۹/۲/۴



به نام خدا

مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی

به وسیله‌ی:

سید سعید راست خدیو

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

حقوق جزا و جرم‌شناسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: **عالی**

دکتر محمدهادی صادقی، دانشیار بخش حقوق جزا (رئیس کمیته).....
دکتر عباس منصورآبادی، استادیار بخش حقوق جزا (استاد مشاور).....
دکتر شهرام ابراهیمی، استادیار بخش حقوق جزا (استاد مشاور).....
حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پیروزمند، عضو هیأت علمی فرهنگستان
علوم اسلامی قم (استاد مشاور).....

اسفند ماه ۱۳۸۸

تقدیم به

رہبر آزادگان جهان،

سید علی خامنہ ای

کہ فرمود:

برای ساخت تمدن اسلامی بہ دو عنصر نیاز است،

۱- تولید فکر و ۲- نیروی انسانی.

سپاسگزاری

با سپاس فراوان از اساتید ارجمند،
دکتر محمدهادی صادقی،
حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پیروزمند،
دکتر عباس منصورآبادی،
دکتر شهرام ابراهیمی،
دکتر فضل الله فروغی،
دکتر سیروس حیدری و
آقایان محمدحسین دیانتي و مجتبی احمدی.

چکیده

مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی

به کوشش

سید سعید راست‌خدیو

مدلسازی سیاست جنایی از رویکردهای نوینی است که در دهه‌های اخیر در سیر تحول سیاست جنایی به دلیل ایجاد قابلیت توجه به عوامل و پدیده‌های گوناگون موضوع سیاست جنایی از ابعاد مختلف در ارتباط با یکدیگر و در یک نگرش سیستمی مورد نظر قرار گرفته است. با توجه به جایگاه ویژه سیاست جنایی اسلامی در جامعه کنونی، به نظر می‌رسد که با استفاده از روش‌شناسی‌های ترکیبی و مدلسازی، قابلیت‌های گوناگون این سیاست جنایی و جامعیت منحصر به فرد آن بهتر ارایه می‌گردد.

همچنین این مدلسازی در صورتی می‌تواند با رویکردی بومی و دینی محقق گردد که قبل از پرداختن به آن، به مبانی دین‌شناختی، جامعه‌شناختی، روش‌شناختی و فلسفی مورد نظر توجه گردد. بنابراین بررسی مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی به لحاظ منطقی نسبت به مدلسازی آن اولویت دارد.

مدلسازی سیاست جنایی سکولار با اهتمام اساتید فرانسوی، به خصوص دلماس مارتی، از رویکردهای دین‌شناختی، جامعه‌شناختی، روش‌شناختی و فلسفی اندیشه‌های سکولار به طور خودآگاه یا ناخودآگاه اشراق گردیده است. با توجه به آثار ترجمه‌ای که از مدلسازی‌های مذکور در جامعه‌ی دانشگاهی جا باز کرده‌اند، بررسی مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی با ارزیابی و نقد مبانی سکولار، زمینه‌ی رهایی از خلط مقولات این حوزه و شفاف‌سازی بسترهای مدلسازی سیاست جنایی بومی در جامعه را ایجاد می‌نماید.

برخلاف رویکردهای سکولار در سیاست جنایی که با دیدگاه حداقلی به تعریف دین می‌پردازند، مبانی دین‌شناختی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی، تعریفی حداکثری از دین با توجه به مؤلفه‌های متناسب با سیاست جنایی ارایه می‌نماید. از طرف دیگر با ارزیابی و نقد مبانی جامعه‌شناختی مدلسازی سیاست جنایی سکولار روشن می‌گردد که ضرورت دارد مفاهیم و مبانی جامعه‌شناختی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی را در توسعه جامعه‌شناسی بومی و اسلامی جستجو نماییم.

همچنین روش‌شناسی مدلسازی سیاست جنایی سکولار، علی‌رغم قابلیت‌های نوین آن در رویکرد سیستمی به سیاست جنایی، توان مدلسازی سیاست جنایی اسلامی را نداشته و در این راستا مبانی روش‌شناسی نظام‌محور الهی با تأکید بر حجیت دینی و کارآمدی ارایه می‌گردد. در مجموع با توجه به رابطه‌ی علم و ارزش با رویکردی عمیق، و با لحاظ دیدگاه‌های فلسفه‌ی علمی متأخر، می‌توان به جهت‌داری سیاست جنایی با معیار نظام ارزشی الهی و مادی نظر داد.

فهرست مطالب

مقدمه

عنوان

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات

- ۱-۱) سیاست ۵
- ۱-۲) جنایی ۷
- ۱-۳) سیاست جنایی ۸
- ۱-۴) مدل و مدلسازی ۱۲
- ۱-۵) چگونگی فرآیند مدلسازی ۱۶
- ۱-۶) مدلسازی و سیاست‌گذاری ۱۷
- ۱-۷) مدلسازی سیاست جنایی ۱۹
- ۱-۸) مدلسازی سیاست جنایی اسلامی ۲۲
- ۱-۹) مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی ۲۴

فصل دوم: مبانی دین‌شناختی

- ۲-۱) ضرورت مبانی دین‌شناختی ۲۷
- ۲-۱-۱) رابطه‌ی سیاست جنایی و توسعه‌ی سیاست اجتماعی ۲۷
- ۲-۱-۲) رابطه‌ی دین و توسعه‌ی سیاست اجتماعی ۳۱
- ۲-۲) تبیین دین از منظر رویکردهای سکولار ۳۴
- ۲-۲-۱) منشأ دین ۳۴
- ۲-۲-۱-۱) رویکرد تکامل‌گرایی عقلی ۳۵
- ۲-۲-۱-۲) رویکرد جامعه‌شناختی ۳۹
- ۲-۲-۱-۳) رویکرد روان‌شناختی ۴۲
- ۲-۲-۱-۴) رویکرد تجربه‌گرایی (طبیعت‌گرایی) ۴۵

- ۴۶ (۲-۲-۲) غایت (رسالت) دین ۴۶
- ۴۷ (۲-۲-۲-۱) رویکرد تکامل گرایی عقلی ۴۷
- ۴۸ (۲-۲-۲-۲) رویکرد جامعه شناختی ۴۸
- ۵۰ (۲-۲-۲-۳) رویکرد روان شناختی ۵۰
- ۵۱ (۲-۲-۲-۴) رویکرد تجربه گرایی (طبیعت گرایی) ۵۱
- ۵۲ (۲-۲-۳) سیر تاریخی اندیشه‌ی الهیاتی غرب از قرون وسطی تا دوران معاصر ۵۲
- ۵۴ (۲-۲-۴) تعریف دین ۵۴
- ۵۷ (۲-۲-۴-۱) رویکرد روان شناختی و بعد شناختاری ۵۷
- ۵۷ (۲-۲-۴-۲) رویکرد روان شناختی و بعد قلبی و روحی دین ۵۷
- ۵۸ (۲-۲-۴-۳) رویکرد جامعه شناختی و بعد رفتار و اعمال دینی ۵۸
- ۵۹ (۲-۲-۴-۴) رویکردهای ترکیبی ۵۹
- ۶۱ (۲-۲-۵) ارزیابی تعاریف رویکردهای سکولار ۶۱
- ۶۴ (۲-۳) رویکردهای اسلامی ۶۴
- ۶۴ (۲-۳-۱) منشا دین ۶۴
- ۶۶ (۲-۳-۲) غایت (رسالت) دین ۶۶
- ۶۶ (۲-۳-۲-۱) رویکرد درون دینی ۶۶
- ۶۸ (۲-۳-۲-۲) رویکرد برون دینی ۶۸
- ۶۸ (۲-۳-۲-۲-۱) رسالت دین از منظر متفکرین اسلامی کلاسیک ۶۸
- ۶۸ (۲-۳-۲-۲-۱-۱) رویکرد دنیا گرایی ۶۸
- ۷۲ (۲-۳-۲-۲-۱-۲) رویکرد آخرت گرایی ۷۲
- ۷۳ (۲-۳-۲-۲-۱-۳) رویکرد جامع نگر ۷۳
- ۷۴ (۲-۳-۲-۲-۲) ارزیابی رسالت دین در منظر متفکرین اسلامی کلاسیک ۷۴
- ۷۵ (۲-۳-۲-۲-۳) رسالت دین از منظر متفکرین اسلامی معاصر ۷۵
- ۷۵ (۲-۳-۲-۲-۲-۱) رویکرد سکولاریسم حداکثری ۷۵
- ۷۶ (۲-۳-۲-۲-۲-۲) رویکرد سکولاریسم حداقلی ۷۶
- ۷۸ (۲-۳-۲-۲-۲-۳) رویکرد دین حداکثری ۷۸
- ۷۹ (۲-۳-۳) تعریف دین ۷۹
- ۷۹ (۲-۳-۳-۱) رویکرد حداقلی ۷۹
- ۷۹ (۲-۳-۳-۱-۱) آخرت گرایی ۷۹
- ۸۱ (۲-۳-۳-۱-۲) تفکیک دین به ذاتی و عرضی ۸۱

- ۸۲ ۲-۳-۳-۱-۳ ایمان گرایی
- ۸۳ ۲-۳-۳-۱-۴ معنویت گرایی
- ۸۴ ۲-۳-۳-۲ رویکرد حداکثری
- ۸۷ ۲-۳-۴ دین در مدل سازی سیاست جنایی سکولار
- ۹۰ ۲-۳-۵ تعریف دین متناسب با مدلسازی سیاست جنایی اسلامی
- ۹۱ ۲-۳-۵-۱ نظام گرایی در تعریف دین
- ۹۳ ۲-۳-۵-۱-۱ نظام فکری
- ۹۴ ۲-۳-۵-۱-۱-۱ نظام ارزشی
- ۹۴ ۲-۳-۵-۱-۱-۲ نظام بینشی
- ۹۴ ۲-۳-۵-۱-۱-۳ نظام دانشی
- ۹۵ ۲-۳-۵-۱-۱-۴ هماهنگی سه حوزه‌ی ارزش، بینش و دانش
- ۹۵ ۲-۳-۵-۱-۲ رابطه‌ی علم و دین در رویکرد نظام گرا
- ۹۶ ۲-۳-۵-۲ توسعه‌ی هماهنگ فردی، اجتماعی و تاریخی
- ۹۷ ۲-۳-۵-۳ توجه به مولفه تغییر و توسعه‌ی تکامل در زمان

فصل سوم: مبانی جامعه شناختی

- ۱۰۰ ۳-۱ ضرورت مبانی جامعه شناختی
- ۱۰۲ ۳-۲ مبانی جامعه شناختی مدلسازی سیاست جنایی سکولار
- ۱۰۲ ۳-۲-۱ روند شکل گیری جامعه شناسی مدرن و تأثیر آن بر سیاست جنایی
- ۱۰۴ ۳-۲-۱-۱ شکل گیری جامعه شناسی سکولار
- ۱۰۸ ۳-۲-۱-۲ مبانی پوزیتیویستی جامعه شناسی و جرم‌شناسی مدرن
- ۱۱۰ ۳-۲-۲ مبانی جامعه شناختی نابهنجاری
- ۱۱۶ ۳-۲-۲-۱ تأثیر تحلیل جامعه‌شناسی دورکیم از نابهنجاری بر جرم‌شناسی معاصر
- ۱۱۹ ۳-۲-۲-۲ ارزیابی مبانی جامعه شناختی نابهنجاری
- ۱۲۰ ۳-۲-۲-۳ تفکیک جرم از انحراف
- ۱۲۳ ۳-۲-۲-۴ طبیعی بودن مفهوم جرم
- ۱۲۵ ۳-۲-۳ مبانی جامعه شناختی واکنش اجتماعی
- ۱۲۶ ۳-۲-۳-۱ ارزیابی مبانی جامعه شناختی واکنش اجتماعی
- ۱۲۷ ۳-۲-۴ بررسی سیاست جنایی سکولار از بستر مبانی جامعه شناختی

۳-۳) شکل گیری جامعه شناسی اسلامی، راهکار تولید مبانی جامعه شناختی سیاست جنایی اسلامی ۱۳۴

فصل چهارم: مبانی روش شناختی

۴-۱) ضرورت مبانی روش شناختی	۱۳۵
۴-۲) مبانی فلسفی روش شناسی مدلسازی سیاست جنایی	۱۳۶
۴-۲-۱) اصالت ذات و اصالت نسبیت	۱۳۶
۴-۲-۲) تفکر سیستمی	۱۳۹
۴-۲-۲-۱) نظریه‌ی عمومی سیستم‌ها	۱۴۱
۴-۲-۲-۲) علم سایبرنتیک (علم کنترل و ارتباطات)	۱۴۳
۴-۲-۲-۳) طبقه بندی سیستم‌ها براساس میزان پیچیدگی	۱۴۳
۴-۲-۲-۴) تعریف سیستم	۱۴۵
۴-۲-۲-۵) مبانی معرفت شناسی نگرش سیستمی	۱۴۶
۴-۲-۳) اندیشه‌ی سیستمی در نظریه‌های اجتماعی	۱۴۹
۴-۲-۳-۱) ساختارگرایی (ساخت گرایی)	۱۵۱
۴-۲-۳-۲) کارکردگرایی	۱۵۲
۴-۲-۳-۳) کارکردگرایی ساختاری (ساختی)	۱۵۳
۴-۲-۳-۴) نظریه سیستمی اجتماعی در اندیشه تالکوت پارسونز	۱۵۴
۴-۲-۳-۴-۱) تفکیک کارکردی خرده نظام‌ها و تکامل در اندیشه‌ی پارسونز	۱۵۷
۴-۲-۳-۴-۲) نسبیت گرایی ارزشی در اندیشه‌ی پارسونز	۱۵۹
۴-۲-۳-۵) نظریه‌ی سیستم‌های اجتماعی در اندیشه نیکلاس لومان	۱۶۰
۴-۲-۳-۵-۱) نفی مفاهیم بنیادین	۱۶۱
۴-۲-۳-۵-۲) تفکیک	۱۶۲
۴-۲-۳-۵-۱-۱) ارتباط حلقوی خرده نظام‌ها و نفی رابطه‌ی سلسله مراتبی ..	۱۶۴
۴-۲-۳-۵-۱-۲) نفی رهبری	۱۶۵
۴-۲-۳-۵-۳) تکامل	۱۶۷
۴-۳) بررسی مبانی روش شناختی نظریه‌ی مدل‌های سیاست جنایی سکولار	۱۶۸
۴-۳-۱) نقدهای اساسی بر نظریه‌ی دلماس مارتی براساس اصول نظریه‌ی سیستم‌ها ..	۱۷۱
۴-۳-۱-۱) ایجاد جایگاه سلسله مراتبی برای سیاست	۱۷۱
۴-۳-۱-۲) جایگاه ابرکُد آزادی در مدل‌های سیاست جنایی	۱۷۳

- ۱۷۵..... (۴-۳-۱-۳) عدم تفاوت ماهوی مدل‌ها (تفاوت در مفهوم بنیادین).....
- ۱۷۴..... (۴-۳-۱-۴) تفاوت جامعه‌ی سنتی و جامعه‌ی مدرن در قرائت مارتی برخلاف نظریه‌ی سیستم‌ها.....
- ۱۷۵.....
- ۱۷۲..... (۴-۳-۲) نقش دین در مدلسازی سیاست جنایی سکولار بر مبنای روش شناسی سیستمی
- ۱۷۷..... (۴-۴) نقد مبانی روش‌شناسی سیستمی مادی.....
- ۱۷۹..... (۴-۴-۱) پیش فرض به جای مبنا.....
- ۱۷۹..... (۴-۴-۲) عدم جهت داری در مفهوم واقعی.....
- ۱۸۱..... (۴-۴-۳) عدم حجیت دینی.....
- ۱۸۱..... (۴-۴-۴) عدم پویایی حقیقی و قابلیت تبیین حرکت.....
- ۱۸۲..... (۴-۴-۵) عدم قابلیت تبیین تکامل.....
- ۱۸۳..... (۴-۴-۶) ناتوانی از هماهنگ سازی مبنای سیستم‌ها بر اساس یک مبنای واحد.....
- ۱۸۴..... (۴-۴-۷) معیار صحت و مابینت آن با حقانیت.....
- ۱۸۶..... (۴-۵) روش شناسی سیاست جنایی بر مبنای نظام محوری الهی.....
- ۱۸۶..... (۴-۵-۱) ضرورت وجود روش عام هماهنگ سازی مدیریت توسعه‌ی اجتماعی.....
- ۱۸۷..... (۴-۵-۱-۱) روش هماهنگ‌سازی سیاست‌های گوناگون جنایی (رابطه درونی).....
- ۱۸۸..... (۴-۵-۱-۲) روش هماهنگ‌سازی سیاست‌های گوناگون اجتماعی (رابطه‌ی بیرونی).....
- ۱۸۹..... (۴-۵-۲) کارآمدی سیاست جنایی بر اساس روش‌شناسی نظام محور الهی.....
- ۱۹۰..... (۴-۵-۲-۱) کیفی سازی و کمی سازی متغیرهای شاخص در سیاست جنایی.....
- ۱۹۰..... (۴-۵-۲-۱-۱) فلسفه خلقت نسبت مادی و فلسفه خلقت نظام محوری الهی.....
- ۱۹۰..... (۴-۵-۲-۱-۲) استفاده از ریاضیات جهت بالا بردن کارآمدی سیاست جنایی
- ۱۹۱..... اسلامی.....
- ۱۹۲..... (۴-۵-۲-۲) ضرورت نگاه بُعدی به تکامل و توسعه‌ی سیاست جنایی بر اساس
- ۱۹۳..... روش‌شناسی نظام محور الهی.....

فصل پنجم: جهت داری سیاست جنایی

- ۱۹۴..... (۵-۱) جهت داری.....
- ۱۹۵..... (۵-۲) سیاست جنایی؛ علمی یا ارزشی؟.....
- ۱۹۳..... (۵-۳) رابطه‌ی هست و باید در علوم انسانی: (گزاره‌های هست و گزاره‌های باید در علوم انسانی).....
- ۱۹۶.....

عنوان

مقدمه

- ۱۹۹..... (۵-۴) غلط بودن تفکیک سیاست جنایی به علمی و ارزشی
- ۲۰۲..... (۵-۵) رابطه ی علم و ارزش در فلسفه ی علم
- ۲۰۳..... (۵-۵-۱) تفکیک هست از باید و تفکیک علم از ارزش
- ۲۰۴..... (۵-۵-۲) رابطه ی هست و باید و رابطه ی علم و ارزش
- ۲۰۸..... (۵-۶) نوع رابطه ی هست و باید یا علم و ارزش در مدلسازی سیاست جنایی اسلامی
- ۲۰۹..... (۵-۶-۱) جهت داری سیاست جنایی
- ۲۱۰..... (۵-۶-۲) رابطه ی شامل و مشمولی در تغییر و تکامل سیاست جنایی
- ۲۱۲..... (۵-۷) توسعه علم دینی در تناسب با مدل سازی سیاست جنایی اسلامی
- ۲۱۴..... (۶) نتیجه گیری
- ۲۱۷..... (۷) پیشنهادات

فهرست منابع

- ۲۲۰..... منابع فارسی
- ۲۲۸..... منابع عربی
- ۲۲۹..... منابع انگلیسی

مقدمه

امروزه در آستانه قرن بیست و یکم، علوم انسانی و اجتماعی پس از گذراندن دوران تطوری پیچیده و گذر از مرزهای دانش‌های تخصصی در حوزه‌های گوناگون، برای یاری گرفتن از دستاوردهای رشته‌های مختلف در حوزه ی کاربرد، ناگزیر به توسعه ی علوم بین رشته ای و جدی گرفتن رابطه ی حوزه‌های مختلف علمی با یکدیگر شده‌اند.

اگر در نیمه ی دوم قرن نوزدهم و نیمه ی اول قرن بیستم، بحث تخصصی شدن علوم انسانی و به نوعی جدا شدن شاخه‌های آن از یکدیگر مطرح بود و امروزه نیز تا حدودی به قوت خود باقی است، در دهه‌های اخیر، مساله ی رابطه ی سیستمی بین علوم انسانی با یکدیگر و استفاده از یافته‌های چند علم خاص در یک حوزه ی نظری یا عملی مطرح گردیده است. می توان گفت آن چه در دوران اخیر این مساله را تسریع بخشیده، نیاز سیاستگذاری‌های گوناگون اجتماعی به مدیریت توسعه است. سیاست عمومی و اجتماعی و در ذیل آن ها، سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و ... برای اینکه بتوانند متناسب با پیچیدگی جامعه ی کنونی به برنامه ریزی مربوط به حوزه‌های خود پردازند، ناچارند از دستاوردهای علوم مختلف ، به خصوص علوم انسانی و اجتماعی در یک چارچوب روشمند استفاده کنند.

در این میان سیاست جنایی به عنوان یکی از عرصه‌های سیاستگذاری‌های کلان اجتماعی پس از تحولات عمیق نیمه ی قرن بیستم به بعد، در مسیر تحکیم رابطه ی خود با علوم مختلف، به نوعی موجبات توسعه ی برخی حوزه‌های بین رشته ای به خصوص ما بین رشته‌های حقوق، جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، مدیریت و ... را فراهم نموده است. از طرف دیگر، جمع دستاوردهای علوم مختلف در تکمیل یکدیگر و در یک چارچوب نظام مند، با توجه به گوناگونی حوزه‌های برنامه ریزی در مقوله ی سیاست جنایی، موجبات طرح موضوع مدلسازی سیاست جنایی را فراهم می نماید. در واقع، ارائه علمی سیستم‌های پیچیده ی اجتماعی، و همچنین تبیین اجزای سیستم ها و بیان رابطه ی آن ها، ارائه ی متغیرهای موجود در سیستم ها و تاثیر آن ها بر یکدیگر، کمی سازی تعاملات موجود و در نهایت تغییر دادن و کنترل پدیده ها و شرایط، نیازمند مدلسازی می‌باشد. در همین راستا از آنجا که موضوع سیاست جنایی، یعنی پیشگیری از بزهکاری و انحراف و کنترل آن ها، یک پدیده ی اجتماعی محسوب می شود، و همچنین با توجه به تاثیر عوامل گوناگون اجتماعی، پیچیدگی خاصی نیز

پیدا می کند، استفاده از روش‌های نوین مدلسازی در حوزه ی سیاست جنایی ضرورت می یابد. اما قبل از آنکه به حوزه‌های کاربردی مدلسازی سیاست جنایی وارد شویم، مساله ی اساسی چیستی، چرایی و چگونگی مدلسازی سیاست جنایی در هر جامعه و با توجه به زیرساخت‌های فرهنگی و معرفتی خاص آن می باشد. در واقع چالشی که جامعه ی علمی کشور در حوزه سیاست جنایی با آن مواجه می باشد این است که با توجه به دستاوردهای علمی نوین، آیا می توان بدون در نظر گرفتن بسترهای عمیق انسانی، اجتماعی جامعه به اقتباس مدل‌های سیاست جنایی جوامع دیگر و روش مدلسازی آن‌ها پرداخت؟ قطعاً اقتباس بی قید و شرط آسان ترین پاسخ به سوالات توسعه ی سیاست جنایی جامعه ی ایرانی است. در مسیر توسعه ی همه جانبه برای غربی سازی و به تعبیر برخی از متفکرین، آمریکایی سازی قرار داشت و راه حل مذکور در آن سپهر فرهنگی تا حدودی جوابگو بود.

اما پس از تحولات عمیق ناشی از انقلاب اسلامی، به خصوص در عرصه ی معرفتی، فرهنگی و علوم انسانی، باید در رسیدن به سیاست جنایی مطلوب راه دشوارتری را طی نمود. توجه جدی به سیاست جنایی اسلامی در سالیان اخیر تا حدودی برگرفته از همین تحولات است. اما چالش اساسی متفکرین سیاست جنایی اسلامی، چگونگی ظهور پتانسیل‌های این سیاست جنایی و کارآمدی حداکثری آن متناسب با انسان و جامعه ی جدید است. بنابر این می توان در همین راستا مدلسازی سیاست جنایی اسلامی را مطرح نمود.

مدلسازی سیاست جنایی اسلامی در قیاس با مدلسازی سکولار، قبل از هر چیز تفاوت خود را در زیربناهایی بیان می نماید که بدون طرح تفصیلی آن‌ها نمی توان به جنبه‌های تکامل یافته ی آن پی برد. به تعبیر بهتر مساله ی اساسی ما زیر بناهایی است که مدلسازی سیاست جنایی اسلامی بر آن استوار می گردد و توسعه می یابد. در راستای شفافیت مساله ی اساسی فوق، می توان گفت که قبل از مدلسازی سیاست جنایی اسلامی، باید روشن گردد که رابطه ی سیاست جنایی و دین چگونه است؟ آیا سیاست جنایی مطلوب باید محتوای خود را از دین (و به طور خاص اسلام) اخذ نماید یا از علم مدرن؟ همچنین سیاست جنایی مصطلح بر چه مبانی و مفاهیم جامعه شناختی استوار است؟ روش شناسی مدلسازی سیاست جنایی به طور کلی چگونه است و سیاست جنایی اسلامی بر چه مبانی روش شناختی استوار است؟ همچنین با توجه به همه ی سوالات فوق آیا به لحاظ فلسفی می توان از یک سیاست جنایی دینی یا اسلامی سخن گفت یا خیر؟ به تعبیر بهتر آیا سیاست جنایی نسبت به ارزش‌های دینی و اسلامی بی جهت است یا می توان جهت داری سیاست جنایی را مطرح نمود؟

فرضیه ی نگارنده این است که سیاست جنایی سکولار به هیچ عنوان با جامعه ی دینی تناسب ندارد و همچنین اختلاط سیاست جنایی اسلامی و سکولار نیز، نه ممکن و نه مطلوب است. از طرف دیگر باید به سوی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی با یک نگرش کاملاً مستقل

با توجه به قابلیت‌های عمیق و گسترده دینی حرکت کرد. به نظر ما باید با تعریفی جامع نسبت به دین، به لحاظ ماهیت و گستره، نگرشی حداکثری به اسلام داشت و به جای سخن از امکان سیاست جنایی اسلامی از بایستگی آن سخن گفت.

از طرف دیگر، از آنجا که جامعه شناسی سکولار مبانی سیاست جنایی سکولار را پایه ریزی می نماید، باید مبانی جامعه شناختی سیاست جنایی اسلامی را از یک رویکرد دینی و بومی اخذ نمود.

قطعا می توان با شناخت و نقد روش شناسی مدلسازی سیاست جنایی سکولار، از نواقص آن آگاهی یافته و ناکارمندی آن را در جهت مدلسازی سیاست جنایی اسلامی نشان داد. از طرف دیگر، با تکیه بر مبانی فلسفی روش در دیدگاه دینی می توان روش شناسی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی را سامان داد.

در نتیجه ی همه ی فرضیات مذکور و نظر به مبانی فلسفه ی علمی موضوع، می توان از جهت داری سیاست جنایی با یک رویکرد تکاملی اسلامی سخن گفت.

در زمینه ی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی و همچنین مبانی آن، تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است. در عرصه ی مدلسازی سیاست جنایی، تنها با فعالیت‌های علمی برخی از اساتید سیاست جنایی فرانسه آشنا هستیم. خانم دلماس مارتی در حدود سه دهه پیش، مدل‌های سیاست جنایی را در جهت شناخت بهتر نظام‌های بزرگ سیاست جنایی در کتابی به همین نام مطرح نمود. پس از او برخی از فرانسویان مثل خانم کریستین لازرژ به شرح مباحث خانم مارتی پرداختند. لازرژ در کتابی به نام سیاست جنایی، مدل‌های مطرح توسط خانم مارتی را که هر کدام مربوط به جوامع مختلفی هستند، با ذکر مصادیق آن‌ها توضیح می دهد. متاثر از تحصیل برخی ایرانیان در کشور فرانسه و فعالیت آن‌ها در کنار اساتید سیاست جنایی فرانسه چون خانم مارتی، مدل‌های سیاست جنایی به شکل ترجمه در دو دهه ی اخیر وارد کشور ما شده است.

می توان گفت که خانم مارتی مفهوم دقیق و علمی مدلسازی سیاست جنایی را آن گونه که در علوم مختلف چون اقتصاد، مدیریت و ... مطرح می باشد، طرح نکرده و از مقدمات بحث مدلسازی یاری گرفته است. آثار فارسی نیز در این زمینه از حد ترجمه فراتر نمی روند. از طرف دیگر بحث مبانی مدلسازی سیاست جنایی تا کنون در دنیا به طور جدی طرح نشده است. هر چند با سیر در آثار فرانسویان می توان رگه هایی از گرایش‌های مبانی در این حوزه رامشاهده نمود، اما آن‌ها با پیش فرض گرفتن مبانی خاص، به هیچ عنوان در صدد طرح جدی مبانی مدلسازی سیاست جنایی بر نیامده اند.

به نظر می رسد مغالطات بزرگی که در جامعه ی علمی حقوق و سیاست جنایی کنونی کشور وجود دارد، به دلیل عدم پرداختن به همین مبانی است. آن گونه که به دلیل عدم تشریح آن‌ها نوعی سردرگمی در جامعه ی علمی حوزه‌های مذکور و به خصوص برای دانشجویان ایجاد

گردیده است. در این تحقیق مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی با رویکردی تطبیقی نسبت به مدلسازی سیاست جنایی سکولار در چهار موضوع مبانی دین شناختی، مبانی جامعه شناختی، مبانی روش شناختی و جهت داری سیاست جنایی بیان خواهد گردید. البته می توان گفت که مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی محصور به حوزه های مطرح شده نیست و در حوزه هایی چون معرفت شناسی، انسان شناسی و ... هم می توان به آن پرداخت، که البته ما تلاش کرده ایم آن ها را بیان کنیم.

در این تحقیق با توجه به متفاوت بودن حوزه مطالعاتی هر کدام از مبانی، از علوم مختلفی چون فلسفه ی دین، کلام جدید، فلسفه ی علوم اجتماعی، فلسفه ی علم، فلسفه ی روش شناسی، روش شناسی و همچنین روش تحلیل آن ها استفاده شده است. بنابراین روش تحقیق در این فعالیت کتابخانه ای و با رویکردی تحلیلی-قیاسی می باشد.

قبل از پرداختن به مبانی نیز سعی شده است که در یک فصل تمهیدی اصطلاحات موضوع و زمینه های لازم ورود به مسائل فصل های بعد به خوبی تشریح گردد. بنابراین فصول این پایان نامه به شرح زیر خواهند بود.

الف) فصل اول: کلیات

ب) فصل دوم: مبانی دین شناختی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی

ج) فصل سوم: مبانی جامعه شناختی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی

د) فصل چهارم: مبانی روش شناختی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی

ه) فصل پنجم: جهت داری سیاست جنایی

امید است که با تفصیل این مبانی، بستری برای ورود در تحقیقات فلسفی و مبنایی در فلسفه ی حقوق و فلسفه ی سیاست جنایی ایجاد گردد و قابلیت های سرشار سیاست جنایی اسلامی روشن گردد.

فصل اول: کلیات

قبل از هر چیز به دلیل ماهیت ویژه موضوع این پایان‌نامه، ضرورت دارد که زمینه‌های لازم جهت فهم بهتر موضوع آن، یعنی ترکیب "مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی" را فراهم نماییم. این عمل باید با توجه به توضیح معنای لغوی و اصطلاحی واژگان، سابقه تاریخی آن‌ها، ضرورت پرداختن به آن‌ها و همچنین شرح نکاتی که مقدمه فهم بهتر فصول آتی می‌باشند محقق شود.

هر چند ترکیب‌های "سیاست جنایی" و نیز "سیاست جنایی اسلامی"، به وفور در ادبیات حقوقی کشور ما دیده می‌شود، اما اضافه شدن واژه مدلسازی به این عبارات ما را با گستره‌ی جدیدی مواجه می‌نماید. در این بستر نه تنها مدل و مدلسازی بار مفهومی و سابقه تاریخی خاصی را در علوم دارند، بلکه به دلیل رابطه سیاستگذاری‌های مختلف با مقوله مدلسازی، باید به واکاوی مفهوم سیاست جنایی در این چارچوب جدید پرداخت. این مساله مباحثی جدید در حوزه معنای سیاست جنایی و تحولات آن را به مطالب قدیمی تر اضافه می‌نماید.

از این جهت، نه تنها لازم است تک به تک واژگان موضوع به لحاظ لغوی و اصطلاحی بررسی شوند، بلکه باید ترکیب‌های دوتایی و سه تایی از کلمات، مثل سیاست جنایی، مدلسازی سیاست جنایی و سیاست جنایی اسلامی نیز بررسی گردند. همچنین ضرورت دارد که به جایگاه مدلسازی در علوم انسانی و اجتماعی و به طور خاص، حقوق و سیاست جنایی توجه گردد.

از طرف دیگر شرح این که چه رابطه‌ای بین مدلسازی و علوم سیاستگذاری برقرار می‌باشد، به عنوان مقدمه مباحث آتی ضروری می‌نماید. باید روشن گردد که منظور از اسلامی در مدلسازی سیاست جنایی اسلامی چیست و در نهایت منظور دقیق از موضوع این پایان‌نامه، یعنی مبانی مدلسازی سیاست جنایی اسلامی و ضرورت طرح آن چه می‌باشد.

۱-۱) سیاست

از نظر لغوی کلمه‌ی سیاست از ریشه‌ی «سوس» می‌باشد، و از همین ریشه «ساس» به معنای کسی که وکالت دیگری را برعهده می‌گیرد آمده‌است. همچنین «سائس» به معنای

تصمیم‌گیرنده و صاحب اختیار و وکیل دیگری نیز، از همین ریشه است. عبارت «ساسوهم سوساً» در همین قالب اشاره به ریاست و فرماندهی گروهی را برعهده گرفتن است. همچنین «سوسه القوم» به معنای این که گروهی کسی را به ریاست خود برگزیدند، آمده است. در نهایت «السیاسه» به معنای برعهده گرفتن امری برای اصلاح آن و یا به معنای ولایت امر مطرح گردیده است.^۱

در فرهنگ‌های فارسی سیاست به معنای پاس داشتن ملک، نگهداشتن، حفاظت، نگاهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت، رعیت‌داری کردن، حکومت و ریاست و داوری^۲ آمده است و به طور دقیق‌تر به انحاء زیر تعریف گردیده است:

- ۱- امور مربوط به اداره‌ی کشور و ارتباط آن با خارج
- ۲- برنامه‌ی کار یا شیوه‌ی عمل یک فرد، نهاد یا کشور برای اداره‌ی امور
- ۳- تدبیر و درایت، خردمندی به ویژه در اداره‌ی امور جایی یا کشوری
- ۴- حساب‌گری‌های زیرکانه و منفعت‌جویانه
- ۵- دانش حکومت کردن به ویژه بر مجموعه‌ای مانند ملت و اداره‌ی امور داخلی و خارجی آن
- ۶- تنبیه و مجازات

همچنین سیاست‌گذار نیز به معنای آن که خط‌مشی، روش کار، سیاست آینده و نحوه‌ی اداره‌ی جایی یا سیستمی را تعیین می‌کند آورده شده است و سیاست‌گذاری نیز به معنای سیاست‌گذار بودن یا عمل سیاست‌گذار مطرح می‌باشد.^۳

آنچه به لحاظ اصطلاحی در این پایان‌نامه از سیاست اراده می‌شود به طور دقیق معادل واژه‌ی Policy در انگلیسی بوده و به مفهوم تعیین خط‌مشی یا خط‌مشی‌گذاری است. چرا که کلمه‌ی جنایی به آن اضافه می‌گردد و اصولاً هنگامی که لغت سیاست قبل از حوزه‌هایی مثل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، عمومی و جنایی می‌آید همین معنا مد نظر می‌باشد. به تعبیر بهتر در این جایگاه منظور خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌ی اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و ... است.

اگر بخواهیم دقیق‌تر سیاست را در مفهوم خط‌مشی‌گذاری تبیین نماییم، در جهت آشنایی با مفهوم آن می‌توان دو تعریف زیر را از سیاست (Policy) ارایه نمود که مورد توجه اندیشمندان حوزه‌ی سیاست‌گذاری است.

- ۱- مفهوم خط‌مشی (Policy) عبارت است از فرآیندی که دانش و معلومات را از قوه به فعل در می‌آورد و مشتمل است بر پردازش اطلاعات، علوم و ارزش‌های مورد نظر درباره‌ی

۱- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۶، چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ص ۱۰۷.

۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، فرهنگ دهخدا، ج ۸، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۲۲۵.

۳- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۶، چاپ اول، تهران: سخن، ص ۴۳۴۴ تا ۴۳۴۵.

واقعیت‌هایی که به مثابه‌ی باز داده‌ها، فرآورده‌ها و خدمات انسانی قابل شناسایی هستند.^۱

۲- خط‌مشی، تدابیر کلی است که برای هماهنگی و انسجام هدف‌های نظام موجود در جامعه اعمال می‌شود و بازتاب ارزش‌هایی می‌باشد که جامعه و دولت بدان‌ها پایبند می‌باشند.^۲

۲-۱) جنایی

جنایی از ریشه‌ی جنی به معنای برگرفتن میوه از درختش می‌باشد و «ثمر جنی» به معنای میوه‌ای که به زمانش چیده شده‌است، آمده‌است. «الجنایه» نیز از همین ریشه به معنای ارتکاب عملی به صورت آشکارا آمده‌است و به مفهوم دقیق‌تر به معنای مرتکب شدن گناه است. معنای جنایت اعم از عمل آشکار یا پنهان آمده‌است.^۳

جان اسم فاعل از جنی و به معنای فرد گناهکار است.^۴ همچنین جنایی وصفی است که از انضمام یای نسبت به کلمه‌ی جنایت ساخته شده‌است و به طور دقیق‌تر جنایت، گناه، جرم و هر عملی که موجب مجازات یا قصاص انسان در دنیا و آخرت می‌شود را در برمی‌گیرد.

در فرهنگ فارسی جنایت عبارت است از کار خلاف یا ناشایست، گناه و جرم. همچنین بدترین نوع جرم از قبیل قتل و جاسوسی که معمولاً در باره مرتکب آن، شدیدترین مجازات را اعمال می‌کنند در معنای جنایت وارد شده‌است.^۵ همچنین در فرهنگ دهخدا آمده‌است که جنایت به چند دسته منقسم است: «جنایت یا نسبت به عرض و ناموس است، یا نسبت به مال است، و یا نسبت به نفس است»^۶ همچنین جنایی که از اضافه شدن یای نسبت به کلمه جنایت ساخته شده، صفت بوده و به معنای مربوط به جنایت یا دارای محتوای مربوط به قتل و جنایت وارد شده‌است.^۷

این واژه در کتب فقهی غالباً در مورد جرایم علیه تمامیت جسمی اشخاص یعنی قتل و ضرب و جرح به کار می‌رود، اما در مواردی نیز ارتکاب جرایم مستوجب حد به نحو کلی یا قذف به نحو خاص، جنایت نامیده می‌شود.^۸ در قوانین موضوعه قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، جنایت در یک تقسیم‌بندی سه‌گانه از جرم، در کنار جنحه و خلاف که جرایم

۱- الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۷۹)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۳ و ۴.

۲- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۱)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ دوم، تهران: سمت، ص ۲۰.

۳- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۴- ابن منظور، محمدبن مکرّم، همان، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۵- انوری، حسن، همان، ج ۸، ص ۶۵۹۱.

۶- دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۵، ص ۶۹۰۶.

۷- انوری، حسن، همان.

۸- ابن براج (۱۴۰۶ق)، المهذب، ج ۱، چاپ اول، قم: جامعه المدرسین، ص ۲۷۲.